

عنوان مقاله:

مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تحریف‌های شناختی در بیماران سرطانی با افراد عادی

محل انتشار:

دوازدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

محدثه نعمتی راد

پریا مسیبی

خلاصه مقاله:

دانستن علم و اراده مخصوص فرزندان آدم است که خداوند به عنوان بالاترین محبت به آنها اعطا نموده‌است. بدیهی است برای استفاده از این دو موهبت خلق مسائل و نتیجه گیری ها در نظام هستی و ایجاد پیشنهادهایی لازم است تا انسان بتواند علم و اراده را که در ابتدا کوچک است بسط دهد و سرانجام بتواند با تسخیر و احاطه بر مسائل، لیاقت نهایی و شایستگی جانشینی او را بیابد. وجود مسائلی بنام بیماری برای انسان شاید جزء خواسته های خود انسان است که بتواند در برخورد با آنها قدرت علم و اراده خود را محک بزند (تابعی؛ به نقل از جمشید زاده و ناموران، ۱۳۸۲). سرطان جزء موارد بیماری است که ضمن به چالش کشیدن علم و اراده آدمی دارای رموز خاصی است. همان طور که سلول های بیمار چنگال در بافت ها و دستگاه های بدن وارد می کنند و همان گیاه عشقه که اگر به درختی وصل شود به آسانی از آن جدا نمی شود، اراده انسان نیز می بایست در جهت تقابل بر سلول های سرطانی چنان اثر نماید که اثرات سلول های سرطانی را خنثی کند (اوتیس، ۲۰۰۷؛ به نقل از محمدی و علی بیگی، ۱۳۹۰). یافته های تحقیقاتی این نتیجه رسیدند که تنش های مزمن و مکرر با کم شدن عملکرد نظام ایمنی رابطه مستقیم دارد، علاوه بر این مطالعات دیگری نشان دادند: که میزان فعالیت و تعداد سلول های ان کی پس از تنیدگی های کوتاه مدت و آنی، مثل: پرش با چتر نجات، زد و خورد، کشمکش، حساب های ذهنی پیچیده و غیره به سرعت افزایش می یابد. این مطالعه نشان می دهد که نظام ایمنی به سرعت علیه عامل تنیدگی زا واکنش هایی در جهت رفع این عامل نشان می دهد، اما در مقابل، در موارد تنیدگی های مزمن و طولانی مدت، همانند اختلافات فردی، بیماری، ترس مزمن، مرگ عزیزان، طلاق، نا امیدی و افسردگی های طولانی مدت، میزان عملکرد مثبت نظام ایمنی از جمله: تعداد و فعالیت سلول های ان کی دچار نقصان می شود (اندرسون، ۱۹۹۷). در هنگام بیماری، ناراحتی هایی بروز می کند که فرد از خود و جهان برداشتی بدبینانه دارد و ممکن است بگوید: "بیفایده است، من بازنده هستم" در نگرانی و هراس احتمالا این فکر به ذهن میرسد که: "اگر کنترل را از دست بدهم و سقوط کنم چه اتفاقی خواهد افتاد؟". با آنکه افکار منفی به تنهایی اغلب اشتباه و غیر منطقی هستند به گونه ای فریب کارانه و واقعیه نظر میرسد. به طوری که فرد گمان میکند وضع به همان بدی است که به نظر میرسد و طبیعی است که اگر بیمار از شر این قبیل روحیات ناخوشایند نجات نیابد و طرز تلقی مثبت تر و واقعبینانه تری پیدا نکند، بیماری بر وی چیره میشود و این در حالی است کهها درمان این طرز فکرها انواع مختلفی از ناراحتی های روزانه از جمله: احساس عدم امنیت روانی و حقارت، احساس تقصیر، فشار روانی، ناکامی و ناامیدی بر طرف می شود (برنز، ۱۹۹۰؛ به نقل از قراچه داغی، ۱۳۹۱). سرطان به عنوان یک حادثه آسیب زا در زندگی می تواند منجر به استرس پس از سانحه گردد. (دالگلیشن، ۱۹۹۹) عنوان می کند که قربانیان تروما اطلاعات ناهمخوان با طرحواره را مکررا ارزیابی می کنند تا بتوانند این اطلاعات را با طرحواره های قبل ...

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1670068>



